

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



پایان نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

بررسی تطبیقی مبانی فقه سیاسی مکتب قم و نجف  
«با تأکید بر اندیشه های حضرت امام(ره) و آیت الله خوئی(ره)»

استاد راهنما:

دکتر امیر حمزه سالارزایی

استاد مشاور:

دکتر احمد رهدار

محقق و نگارنده:

منصوره خسروی

بهمن ۱۳۹۰

## بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان «بررسی تطبیقی مبانی فقه سیاسی مکتب قم و نجف، با تأکید بر اندیشه های حضرت امام(ره) و آیت الله خوئی(ره)» قسمتی از برنامه پژوهشی دوره کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی توسط دانشجو منصوره خسروی با راهنمایی استاد پایان نامه دکتر امیر حمزه سالارزایی تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

منصوره خسروی

امضاء

این پایان نامه چهار واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ ..... توسط هیئت داوران بررسی و درجه ..... به آن تعلق گرفت.

تاریخ

امضاء

نام و نام خانوادگی

امیر حمزه سالارزایی

استاد راهنما:

احمد رهدار

استاد مشاور:

داور ۱:

داور ۲:

نماینده تحصیلات تکمیلی:



## تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب منصوره خسروی تعهد می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: منصوره خسروی

امضاء

## تقدیم به:

تقدیم به احیاگر تفکر دینی، در برهوت بی دینی قرن حاکمیت اندیشه های مادی گریزان بر دنیا، و طلوع دار  
موج بیداری اسلامی، حضرت امام راحل (ره)، و خلف صالح وی مقام معظم رهبری و شهیدان والا  
مقام انقلاب اسلامی، و همه کسانی که در مسیر سر بلندی و پیشرفت ایران عزیز گام بر می دارند.  
و تقدیم به والدین دلسوز، همسر مهربان، و فرزندان عزیزم که همواره در مسیر ادامه تحصیل و پیمودن پله های  
علم و دانش، مشوق و بهرامم بوده اند.

## سپاسگزاری

باتأسی به حدیث زیبای امیرکلام، مولای متقین، امام علی علیه السلام که فرمودند:

«من علمنی حرفاً، فقد صیرنی عبداً»

برخود فرض می‌دانم از ظرافت اندیشی علمی و راه‌نمایی‌های مؤثر و کاربردی، همراه با سه صدر و حسن خلق استاید  
معظم، عالی جنابان آقایان: دکتر امیر حمزه سالارزائی و دکتر احمد بهار تقدیر و تشکر نمایم و برای آن بزرگواران،  
عزت و سربلندی را از خداوند متعال مسئلت نمایم. ضمناً کمال تشکر از تمام استاید دوران تحصیل به ویژه  
استاید بزرگوار داور: حضرت آیت الله سلیمانی و جناب آقای دکتر نادر مختاری به عمل می‌آورم و برای آن  
حضرات، آرزوی توفیق و سرفرازی را دارم.

## چکیده:

این پژوهش، موضوع: «بررسی تطبیقی مبانی فقه سیاسی مکتب قم و نجف، با تأکید بر اندیشه های حضرت امام (ره) و آیت الله خوئی (ره)» را با ابزار کتابخانه ای و استفاده از کتابخانه های دیجیتالی و بیان توصیفی- تحلیلی داده ها مورد بررسی قرار می دهد. پرسش اصلی عبارت است از: «کدام یک از دو رویکرد نظارتی و ولایتی با رسالت فقه اسلامی سازگارتر و با چشم انداز جوامع اسلامی و تمدن بشری کارآمد تر می باشد؟». فرضیه این تحقیق عبارت است از: «اثبات سازگاری رسالت فقه اسلامی و اقتضاء چشم انداز جوامع اسلامی و پویائی فقه سیاسی با رویکرد ولایتی»

فقه سیاسی شیعه - که مجموعه احکام اسلامی ناظر به رفتار سیاسی مکلفان می باشد - در طول تاریخ اسلام مراحل مختلفی داشته است، به گونه ای که می توان گفت از غیبت امام زمان (عج) تا عصر صفویه «گذراره سیاسی» و از آن زمان تا عصر انقلاب اسلامی «تئوری سیاسی» و در آخرین مرحله خود، «نظام سیاسی» را تولید کرده است. مهم ترین تئوری های فقه سیاسی تشیع عبارتند از: الف) تئوری «نظارت فقیه» که دارای قدمتی طولانی، قائلانی زیاد و حضوری گسترده و بیش تر ناظر به شرایط «قدر مقدور» بوده و نماینده شاخص آن در دوره معاصر آیت الله خوئی (ره) با «رویکردی نص گرا» و مبنای دین شناختی «حداقلی» می باشد؛ ب) تئوری «ولایت فقیه» که دارای قدمتی قابل ملاحظه، قائلانی مشهور و حضوری کارآمد و بیش تر ناظر به شرایط «قدر مطلوب» بوده و نماینده شاخص آن در دوره معاصر حضرت امام (ره) با رویکردی «عقل گرا» و مبنای دین شناختی «حداکثری» می باشد؛ ج) تئوری «وکالت فقیه» که دارای قدمتی کم، قائلانی اندک و خاستگاهی غیراسلامی (غربی) و ناظر به شرایط انفعال نظری - عملی جهان اسلام نسبت به مدرنیته بوده و نماینده شاخص آن در طول حیات کوتاهش، جریان موسوم به «روشن فکری دینی» با رویکردی «نسبی گرا» و مبنای دین شناختی «سکولار» می باشد. در مقایسه میان این تئوری ها، چنین به نظر می رسد در حالی که تئوری های اول و دوم در طول یکدیگر و در تباین با تئوری سوم می باشند، ظرفیت های تئوری دوم برای فراروی از وضع موجود و نیل به «نظام سیاسی اسلامی» و نهایتاً ایجاد «تمدن اسلامی» به مراتب بیش تر از تئوری نخست می باشد. هم چنان که بسط منطقی تئوری سوم، به تحقق نظام و تمدنی هم سو با ظرفیت های خاستگاه غربی اش و در تضاد با چشم انداز فقه سیاسی تشیع و آرمان غایی آن خواهد انجامید. از این رو، تئوری ولایت فقیه - که با پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی در قامت یک «نظام» ظهور یافته - به مثابه متکامل ترین تئوری فقه سیاسی شیعه تاکنون بوده و چشم انداز فقه سیاسی شیعه ناگزیر باید هم سو با - و مبتنی بر - آن باشد.

**واژگان کلیدی:** نظارت فقیه، ولایت فقیه، وکالت فقیه، مکتب نجف، مکتب قم، آیت الله خوئی (ره)، امام

خمینی (ره)»

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	<b>بخش اول : کلیات</b>
۲	۱-۱- طرح مسأله
۲	۲-۱- ضرورت پژوهش
۳	۳-۱- پیشینه تاریخی پژوهش
۴	۴-۱- اهداف
۴	۵-۱- سؤالات اصلی
۵	۶-۱- فرضیه ها
۵	۷-۱- نوآوری طرح
۵	۸-۱- روش
۶	<b>بخش دوم : چارچوب نظری (مبانی نظری نظارت و ولایت فقیه)</b>
۷	مقدمه
۷	۱-۲- مبانی نظریه نظارت فقیه بر اساس دیدگاه آیت الله خوئی
۱۰	۲-۲- مبانی نظریه ولایت فقیه بر اساس دیدگاه امام خمینی (ره)
۱۱	۱-۲-۲- نگرش کلامی امام خمینی (ره) به فقه
۱۶	<b>بخش سوم : الگوهای سه گانه مدیریت فقهی</b>
۱۷	مقدمه
۱۷	۱-۳- نظارت فقیه
۱۷	۱-۱-۳- مکتب بغداد
۲۰	۲-۱-۳- مکتب حله
۲۱	۱-۲-۱-۳- نوآوری علامه حلی در باب ولایت فقیه
۲۳	۳-۱-۳- مکتب نجف
۲۵	۱-۳-۱-۳- بررسی تحولات و فرآیند تاریخی شکل گیری اندیشه «نظارت فقیه» در مکتب نجف
۲۸	۲-۳- ولایت فقیه
۲۸	۱-۲-۳- مکتب جبل عامل
۲۹	۱-۱-۲-۳- شهید اول
۳۱	۲-۱-۲-۳- اندیشه سیاسی محقق کرکی و صراحت و شفافیت در ولایت فقیه
۳۴	۳-۱-۲-۳- بازتاب «ولایت فقیه» در میراث فقهی محقق کرکی
۳۶	۲-۲-۳- مکتب قم
۳۸	۱-۲-۲-۳- بررسی تحولات و فرآیند تاریخی شکل گیری اندیشه ولایت فقیه در مکتب قم
۳۸	الف) جنگهای ایران و روس و فتوای جهاد



۳۹	ب) نقش موثر علماء در مقابله با اعطای امتیازات به بیگانگان
۴۰	ج) جنبش عدالتخانه، مشروطیت و تعالی طلبی
۴۱	د) مبارزات سیدحسن مدرس و اقدامات پر خیر و برکت آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی
۴۲	ه) روند تکاملی تعالی خواهی جریان مذهبی در دهه ۱۳۲۰
۴۳	و) نهضت ملی شدن صنعت نفت
۴۴	ز) استمرار روند تکاملی تعالی خواهی در دهه های ۱۳۳۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی
۴۶	۳-۲-۲- طرح آشکار ایده «ولایت فقیه» در مکتب قم
۴۶	۳-۲-۲-۱- «ولایت فقیه» در آثار و سیره آیت الله بروجردی (۱۳۴۰ - ۱۲۹۲ ش)
۴۶	الف) استدلال عقلی آیت الله بروجردی به «ولایت فقیه»
۴۷	ب) شواهدی چند از سیره عملی آیت الله بروجردی
۴۸	۳-۲-۲-۲- ولایت فقیه در آثار و سیره امام خمینی (ره)
۴۹	الف) ادله ولایت فقیه از دیدگاه امام خمینی (ره)
۵۰	ب) سیر تاریخی نظریه «ولایت فقیه» در اندیشه و آثار امام خمینی (ره)
۵۰	۱. کشف اسرار
۵۰	۲. الرسائل (رساله الاجتهاد والتقلید)
۵۱	۳. تحریر الوسيله
۵۲	۴. البيع
۵۲	۵. ولایت فقیه یا حکومت اسلامی
۵۳	۶. صحیفه نور ( صحیفه امام )
۵۳	ج) تحلیل و ارزیابی آثار حضرت امام (ره)
۵۳	د) مقایسه ارزشی آثار امام
۵۳	۳-۳- وکالت فقیه
۵۷	۳-۳-۱- نقد نظریه وکالت
۶۲	<b>بخش چهارم : بررسی تطبیقی نظارت و ولایت فقیه</b>
۶۳	مقدمه
۶۳	۴-۱- نظارت فقیه
۶۳	۴-۱-۱- مبنای دین شناختی (دین حداقلی)
۶۵	۴-۱-۱-۱- آیت الله خوئی و دین حداقلی
۶۷	۴-۱-۱-۲- اصل تقیه در اندیشه و رفتار سیاسی آیت الله خوئی
۶۸	۴-۱-۲- مبنای تاریخی (شرائط مقذور)
۷۰	۴-۱-۲-۱- مقتضیات زمان و مکان حضور آیت الله خوئی در نجف
۷۰	۴-۱-۲-۲- دوره حکومت سلطنتی
۷۳	۴-۱-۲-۳- دوره جمهوری عبدالکریم قاسم
۷۴	۴-۱-۲-۴- دوره حکومت حزب بعث
۷۵	۴-۱-۳- بررسی الگوی آیت الله خوئی (ره)
۷۵	۴-۱-۳-۱- مبانی و اصول

۷۶	۱-۱-۳-۱-۴- اصول ثابت در اندیشه سیاسی آیت الله خوئی
۷۶	الف) اصل حفظ نظام
۷۷	ب) اصل مصلحت
۷۹	۱-۳-۲- رابطه دین با سیاست
۸۰	۱-۳-۳- پایگاه و جایگاه نظریه نظارت و روش مبارزاتی و علمی آیت الله خوئی
۸۲	۱-۳-۴- نسبت نظریه نظارت با سائر نظریه ها
۸۳	۱-۳-۵- پیامدها و چشم انداز الگوی نظارت فقیه
۸۵	۱-۳-۶- دایره اختیارات فقیه بر اساس الگوی نظارتی
۸۵	۱-۳-۶-۱- ماهیت تصدی فقیه
۸۶	۱-۳-۶-۲- قلمرو اختیارات فقیه بر اساس دیدگاه آیت الله خوئی
۸۹	۱-۳-۷- آیت الله خوئی و جمهوری اسلامی ایران
۹۱	۲-۴- ولایت فقیه
۹۱	۱-۲-۴- مبنای دین شناختی (دین حداکثری)
۹۴	۱-۲-۴- امام خمینی و طرح نظریه «ولایت فقیه»
۹۹	۲-۱-۲- اصل تقیه در اندیشه و رفتار سیاسی امام خمینی (ره)
۱۰۴	۲-۲-۴- مبنای تاریخی (شرائط مطلوب)
۱۰۵	۱-۲-۲- تحولات دوران کودکی و نوجوانی امام خمینی (۱۳۰۰-۱۲۸۱ ش)
۱۰۷	۲-۲-۲- تحولات دوران تحصیل امام (۱۳۳۹-۱۳۰۰ ش)
۱۰۷	۱-۲-۲- امام خمینی در سال های (۱۳۲۰-۱۳۰۰ ش)
۱۱۴	۲-۲-۲- امام خمینی در سال های (۱۳۳۹-۱۳۲۰ ش)
۱۱۷	۳-۲-۲- امام خمینی در دوران مرجعیت دینی (۱۳۵۷-۱۳۳۹ ش)
۱۱۷	۱-۳-۲- امام و اقدامات شاه در سال های (۱۳۴۳-۱۳۳۹ ش)
۱۱۸	الف) امام و لایحه اصلاحیه قانون انجمن های ایالتی و ولایتی
۱۲۰	ب) امام و انقلاب سفید
۱۲۴	ج) مبارزه با کاپیتولاسیون
۱۲۵	۲-۳-۲- امام خمینی در سال های (۱۳۵۶-۱۳۴۳ ش)
۱۲۸	۳-۳-۲- امام خمینی در سال های (۱۳۵۷-۱۳۵۶ ش)
۱۳۰	۴-۳-۲- امام خمینی در دوران رهبری نظام سیاسی (۱۳۶۸-۱۳۵۷ ش)
۱۳۳	۳-۲-۴- بررسی الگوی حضرت امام خمینی (ره)
۱۳۳	۱-۳-۲- مبانی و اصول
۱۳۳	۱-۱-۳-۲- اصول ثابت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)
۱۳۴	الف) اصل حفظ اسلام و نظام اسلامی
۱۳۵	ب) اصل مصلحت اسلام و مسلمین و نظام اسلامی
۱۳۷	ج) اصل نقش مردم در حکومت اسلامی
۱۳۸	د) اصل استقلال و آزادی
۱۳۹	ه) اصل دعوت و گسترش اسلام
۱۴۰	۲-۳-۲- رابطه دین با سیاست

- ۱۴۱-۳-۳-۲-۴- پایگاه و جایگاه نظریه ولایت و روش مبارزاتی و علمی امام خمینی (ره)
- ۱۴۵-۴-۳-۲-۴- نسبت نظریه ولایت فقیه با سایر نظریه ها
- ۱۴۶-۵-۳-۲-۴- پیامدهای و چشم انداز الگوی ولایت فقیه
- ۱۵۳-۶-۳-۲-۴- دایره اختیارات فقیه بر اساس الگوی ولایتی
- ۱۵۴-۱-۶-۳-۲-۴- ولایت مطلقه فقیه در تألیفات امام خمینی(ره) پیش از پیروزی انقلاب اسلامی
- ۱۵۸-۲-۶-۳-۲-۴- ولایت مطلقه فقیه در کلام امام خمینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران
- ۱۵۸ الف) ولایت مطلقه فقیه در سیره عملی حضرت امام پس از پیروزی انقلاب اسلامی
- ۱۵۹ ب) ولایت مطلقه فقیه در سیره نظری حضرت امام پس از پیروزی انقلاب

- ۱۶۱ **بخش پنجم : نتیجه گیری**
- ۱۶۲-۱-۵- تئوری نظارت فقیه
- ۱۶۵-۲-۵- تئوری ولایت فقیه
- ۱۶۷-۳-۵- تئوری وکالت فقیه
- ۱۶۹-۴-۵- مقایسه تئوری ها

- ۱۷۳ **فهرست منابع**

# بخش اول

## کلیات

## ۱-۱- طرح مسأله

فقه (به معنی اعم که شامل اخلاق نیز می شود) تنها علم اسلامی است که مستقیماً ناظر به اعمال مکلفان است. جامعیت اسلام اقتضاء دارد که علم فقه نیز - نظر به رسالتی که دارد- از چنان جامعیتی برخوردار باشد که همه ابعاد فردی و اجتماعی را شامل باشد. در این میان، فقه سیاسی، آن بخش از فقه به معنی عام آن می باشد که در خصوص احکام رفتار اجتماعی و سیاسی مکلفان حکم می کند. متأسفانه به دلیل اینکه تشیع (با قطع نظر از برخی مقاطع محدود) قرن ها در حاشیه تاریخ اسلام بوده و کمتر فرصت تشکیل حکومت یافته، فقه اجتماعی و سیاسی آن در مقایسه با فقه فردی و نیز در مقایسه با فقه اهل سنت به صورت متأخری تولید و بسط یافته است.<sup>۱</sup>

با نگاه کلی به فقه سیاسی شیعه دو دوره متفاوت که منجر به دو رویکرد متفاوت شده را می توان در آن شناسایی کرد: نخست، دوره انزوا و تقیه که منجر به رویکرد دفاعی (در شرایط نامساعد)- نظارتی (در شرایط نسبتاً مساعد) در فقه شده و دوم، دوره تشکیل حکومت (در شرایط مساعد) که منجر به رویکرد تأسیسی- ولایتی در آن شده است.

در عصر ما دو مکتب نجف و قم به ترتیب این دو رویکرد را نمایندگی می کنند. این پژوهش درصدد است تا با تبیین مبانی، اصول، امتد و غایات هر یک از این دو مکتب به بررسی تطبیقی آنها پردازد و برای نیل به این هدف، اندیشه های فقه سیاسی حضرت امام خمینی (شاخص و نماینده مکتب قم) و آیت الله خوئی (شاخص و نماینده مکتب نجف) را مورد بررسی قرار می دهد.

رویکرد دفاعی- نظارتی درون بستری که دستگاه سیاسی غیر فقهی ایجاد می کند به نظارت می پردازد، این در حالی است که رویکرد تأسیسی- ولایتی درون بستر سیاسی ای که خود ایجاد کرده، ولایت می ورزد.

## ۱-۲- ضرورت پژوهش

اکثریت قریب به اتفاق صاحب نظران بر این باورند که اندیشه های غربی در مبانی، امتد، اصول و غایت خود با متناظرهای اسلامی اش متفاوت و بلکه متضاد است. این مسأله، به ویژه پس از فراگیری الگوهای حکومتی غرب در جهان اسلام، باعث شده تا استنباط الگویی حکومتی که برآمده از اندیشه های اسلامی باشد ضرورتی دو چندان یابد. معطوف به این دغدغه، برخی محققان و نویسندگان به جستجو در تراث اندیشه های

---

۱- البته به معنی دقیق کلمه، فقه اهل سنت نیز حاکم نبوده، بلکه حاکمان سنی بوده اند و ائمه اربعه اهل سنت نیز مورد اذیت و آزار و حبس از طرف حاکمان وقت بوده اند.

شیعی پرداخته اند. برخی از آنها نیز به فقیهان معاصر و از جمله حضرت امام خمینی و آیت الله خوئی توجه بیشتر داشته اند.

در خصوص اندیشه فقه سیاسی آیت الله خوئی کارهای اندکی انجام شده، اما در خصوص اندیشه فقه سیاسی حضرت امام کتاب ها و مقالات زیادی منتشر شده است. با این وجود، بررسی تطبیقی میان اندیشه این دو بزرگوار از سویی و قرائت آن اندیشه ها به منظور (و از زاویه) راهبردی برای چشم انداز حکومت سیاسی شیعه از سویی دیگر در آن پژوهش ها کم رنگ بوده و یا اساساً جایی نداشته است و پژوهش حاضر با توجه بیشتر به این دغدغه از پژوهش های پیشین، متمایز می شود.

### ۱-۳- پیشینه تاریخی پژوهش

برخی از گروه های سیاسی، نظریه ی ولایت فقیه را محصول اندیشه ی معمار جمهوری اسلامی دانسته اند و یا محقق نراقی را مبتکر و پدید آورنده آن شمرده اند. این در حالی است که دیدگاهی دیگر بر این باور است که هرچند نظریه ولایت فقیه توسط محقق نراقی و قبل از آن توسط محقق کرکی به صورت بارزتر و آشکارتری مطرح شده است، به رغم این، اندیشه ولایت فقیه از همان آغاز غیبت در آثار فقیهان شیعه - هرچند به اجمال - مطرح بوده است. به عنوان مثال؛ می توان ریشه های بحث مذکور را در کتب فقهی و در ضمن مباحث مرتبط با دولت و ولایت سیاسی (مثل: نماز جمعه و نماز عید فطر و قربان، زکات، خمس، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، قضاوت، حدود، وصیت، وقف، حجر) و نیز در مباحث مربوط به امامت، که در علم کلام منعکس شده است، یافت. بر اساس این دیدگاه می توان گفت که ولایت به مثابه یک اندیشه (نه تئوری)، سابقه ای دیرینه، به درازای عصر غیبت، بلکه پیش از آن دارد. اگرچه می توان گفت که تئوری ولایت فقیه به صورت متأخر و نخستین بار در قرن دهم توسط محقق کرکی تولید شده است.

مسئله دیگری که درباره پیشینه تاریخی نظریه ولایت فقیه باید در نظر گرفت، «نقش زمان و مکان» در چگونگی ارائه و عرضه نظریه ولایت فقیه است. به عبارتی، صدور اندیشه سیاسی رابطه مستقیم با درگیری و مواجهه اندیشه وران با مسائل سیاسی - اجتماعی دارد و نظریه پردازان ولایت فقیه نیز از این موضوع مستثنی نیستند.

با بررسی تاریخی مشخص می شود که هر گاه درگیری این اندیشمندان با مسائل سیاسی زیاد بوده، مباحث اندیشه سیاسی گسترش یافته و هر زمان و به هر دلیل این درگیری کم شده، مباحث سیاسی و جریان اندیشه پردازی سیاسی تقلیل یافته و یا فروکش نموده است. این مهم با مطالعه تاریخ ۲۳ ساله ی فعالیت نبی

اکرم(ص) و دویست و پنجاه سال فعالیت امامان معصوم علیهم السلام به خوبی مشخص می شود و این فرضیه با تدقیق در تاریخ ۱۲۰۰ ساله فقهای شیعه به یک اصل و قاعده ثابت موجود در تاریخ سیاسی شیعه تبدیل می گردد.

در عصر ما نویسندگان و محققانی که به جستجو در تراث اندیشه های شیعی پرداخته اند به دو فقیه معاصر «حضرت امام خمینی و آیت الله خوئی» توجه بیشتری داشته اند. در خصوص اندیشه ی سیاسی این دو بزرگوار کارهایی هم صورت گرفته که از این میان می توان به تعداد محدودی مقاله (که اکثر آنها در فصل نامه متین و دو هفته نامه پگاه حوزه انتشار یافته اند) و نیز دو پژوهش مستقل در خصوص اندیشه فقه سیاسی آیت الله خوئی اشاره کرد:

نخست، کتاب «اندیشه سیاسی آیت الله خوئی»<sup>۱</sup> و دوم، پایان نامه ای تحت عنوان «آیت الله خوئی؛ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس»<sup>۲</sup> در خصوص اندیشه فقه سیاسی حضرت امام نیز کتاب ها و مقالات زیادی منتشر شده که مهمترین آنها مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی در هشت جلد می باشد که توسط مؤسسه حفظ و تنظیم آثار حضرت امام در اختیار عموم قرار گرفته است. با این وجود بررسی تطبیقی میان اندیشه این دو بزرگوار در آن پژوهش ها کم رنگ بوده است و پژوهش حاضر با توجه بیشتر به این مسأله و قرائت آن اندیشه ها به منظور راهبردی برای چشم انداز حکومت سیاسی شیعه از پژوهش های پیشین متمایز می شود.

#### ۱-۴- اهداف

- ۱) استفاده از پتانسیل و ظرفیت تراث فقهی شیعه برای هر چه بیشتر کارآمد کردن حکومت اسلامی.
- ۲) ارائه الگویی از حکومت اسلامی به منظور فراروی از الگوهای تک ساحت نگر و سلطه گر غربی.

#### ۱-۵- سؤالات اصلی

- ۱) کدام یک از دو رویکرد دفاعی- نظارتی و تأسیسی- ولایتی با رسالت فقه اسلامی سازگارتر است؟
- ۲) کدام یک از دو رویکرد مذکور برای شرایط کنونی جهان اسلام ضروری تر و مهم تر است؟

---

۱- عارفی، محمد اکرم، اندیشه سیاسی آیت الله خوئی (ره)، قم، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۶

۲- مطهری نیا، آیت الله خوئی؛ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، دانشگاه معارف قم، ۱۳۸۹

۳ چشم انداز جوامع اسلامی، مقتضی چه نوع رویکردی در فقه سیاسی می باشد؟

۴ پویایی فقه سیاسی چگونه تضمین می شود؟

#### ۱-۶- فرضیه ها

۱) رویکرد تأسیسی- ولایتی با رسالت فقه اسلامی سازگارتر است.

۲) رویکرد تأسیسی- ولایتی برای پاسخ دادن به نیازهای فعلی و آتی جهان اسلام ضرورتی تر و مهم تر

است.

۳ چشم انداز جوامع اسلامی، مقتضی رویکرد تأسیسی- ولایتی در فقه سیاسی است.

۴ پویایی فقه سیاسی با رویکرد تأسیسی- ولایتی آن تضمین می شود.

#### ۱-۷- نوآوری طرح

۱) تبیین اجمالی خط تکاملی فقه سیاسی شیعه.

۲) ارائه تئوری فقهی برای سند چشم انداز انقلاب اسلامی.

۳) تبیین نسبتاً واضح دو مکتب نجف و قم در بیان نقاط اشتراک و افتراق.

۴) تبیین عدم تضاد تئوری نظارت فقیه با تئوری ولایت فقیه

#### ۱-۸- روش

روش انجام تحقیق، بیان توصیفی و تحلیل داده ها و روش و ابزار گردآوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای و

استفاده از کتابخانه های دیجیتال می باشد.



## بخش دوم

### چارچوب نظری

#### (مبانی نظری نظارت و ولایت فقیه)

در باب شوون و مناصب فقیه، در ابعاد افتاء و قضاوت، چندان اختلاف نظری وجود ندارد و عمده اختلاف نظر در بعد زعامت فقیه می باشد و در این مسأله هم در اصل آن چه بسا با تعبیر مختلف و البته از زوایای متفاوت ارائه شده اختلاف جدی وجود نداشته باشد و عمده اختلاف نظر در باب دایره اختیارات فقیه می باشد. در این فصل در باب اثبات جواز ورود فقیه به مسائل سیاسی و تلاش برای به دست گرفتن زعامت جامعه و به عبارتی به مبانی نظری دخالت وی در مسائل سیاسی اجتماعی پرداخته می شود. این مسأله در دو بعد نظارت و ولایت، در دو شخصیت معروف و معاصر در دو حوزه نجف و قم متجلی است که به نقل مشهور به عنوان مکتب نجف و قم نامیده می شود.

به دنبال این مقدمه، به اختصار به بررسی مبانی دو نظریه پرداخته می شود.

## ۲-۱- مبانی نظریه نظارت فقیه بر اساس دیدگاه آیت الله خوئی

چهره شاخص نظریه نظارت فقیه در دهه های اخیر، عالم شاخص و برجسته این عصر که برجستگی علمی وی در حوزه نجف زبانزد است، حضرت آیت الله خوئی می باشد.

آیت الله خوئی از نظر روش شناسی و مکتب اجتهادی، پیرو یا پیشگام سبکی است که می توان آن را «نقل گرایی اصولی» نامید. ویژگی این روش می تواند چنین باشد که بر وجود و دلالت های لفظی در نصوص و روایات بیشترین توجه را معطوف داشته و فراتر از آن، به ندرت به نظریه پردازی پرداخته می شود. این مکتب یا روش در برابر مکتب یا روش «عقل گرایی اصولی» مطرح می شود که در استنباطات فقهی بر یافته ها و انتزاعات عقلی توجه بیشتر و جدی تر معطوف می دارد. اما در خصوص فقه سیاسی به نظر می رسد که سه چیز مبنای اصلی اندیشه فقهی وی را تشکیل می دهند: ۱- نص گرایی شفاف؛ ۲- اصل عدم نفوذ تصرف فرد در حق فرد دیگر؛ ۳- قاعده قدر متیقن.

منظور از «نص گرایی شفاف» که در اندیشه آیت الله خوئی مطرح شده است، متمرکز شدن بر نص از لحاظ اندیشه سازی تحت شرایط خاصی است. آیت الله خوئی نصوص و روایات را از دو زاویه سند و دلالت به گونه خاصی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. او معتقد است که از منابع چهارگانه احکام، تنها روایات جنبه غالب و فراگیر دارد و عقل و اجماع نقش بسیار اندکی در استنباط احکام ایفاء می کند. (خوئی، ۱۳۶۹/۱: ۲۰-۱۹) از نظر وی، همه روایات در سطح برابر قرار نداشته و از جایگاه یکسانی برخوردار نیستند، بلکه تنها روایات «صحیحه»، «موثقه» و «حسنه» می توانند مبنای استنباط در احکام دینی قرار گیرند. (همان، ۱۳۶۹/۱: ۲۰)

او با استفاده از قوانین علم اصول، دلالت روایات را بر اموری مبتنی دانسته، می گوید: «عمل به اخبار بر سه امر توقف دارد: «حجیت ظهور؛ اصل صدور و جهت صدور» (واعظ، ۱۴۲۲ق/ ۲: ۱۴۷)

«اصل صدور» به سند روایت و «جهت صدور» و «حجیت ظهور» به دلالت آن مربوط می شود. آن چه در مقام بررسی نص برای ایشان با اهمیت تلقی گردیده، شفاف شدن نص از لحاظ صدور از ناحیه معصوم و دلالت گویا و غیر ابهام آمیز بودن آن نسبت به مسأله می باشد. ایشان با توجه به همین معیار به ارزیابی روایات مربوط به ولایت فقیه و شؤون سیاسی و اجتماعی فقیه پرداخته و بسیاری از آنها- نه همه آنها را- را قابل نقد و فاقد دلالت شفاف دانسته است. این شیوه از نص شناسی آیت الله خوئی بر شکل دهی اندیشه او مبنی بر عدم پذیرش نظریه ولایت مطلقه فقیه تأثیر مهم داشته است.

دومین مبنای فقهی آیت الله خوئی در حوزه فقه سیاسی، عبارت از «اصل عدم نفوذ تصرف کسی در حق دیگری» است. (غروی، بی تا/ ۱: ۳۶۰) بر اساس این اصل، هر فرد خودش بر سرنوشت خود حاکمیت دارد؛ یعنی حاکمیت انسان بر جان و اموال او از آن خود اوست. آیت الله خوئی در فقه سیاسی عمدتاً بر همین مبنا تکیه نموده و به کمک آن، حاکمیت فقیه بر مردم را نفی کرده است. او می گوید: «در این گونه موارد برای غیر امام و نائب او تصدی برای تصرف جائز نیست مگر به اذن امام، زیرا با ادله قطعی ثابت شده که تصرف در اموال و انفس و اعراض مردم بدون اذن و رضایت صاحب تصرف، جائز نمی باشد.» (توحیدی، ۱۴۱۷ق/ ۵: ۵۱-۵۰)

آیت الله خوئی برای ایجاد تعدیل در مبنای سیاسی خود، قاعده «قدر متیقن» را ضمیمه دو مبنای دیگری خود نموده و به کمک این مبانی سه ضلعی، ایده «ولایت محدود فقهاء» را مطرح کرده است. زیرا از دیدگاه او، نص گرائی و اصل حاکمیت فرد بر خودش، فردگرائی و یا به تعبیر دیگر واگرائی را بسیار تشدید کرده و ممکن است مشروعیت شکل گیری نهاد دینی- سیاسی را در جامعه با تهدید رو به رو سازد، از این رو به اصل «قدر متیقن» که مایه های عقلی دارد، روی آورده است. (غروی، بی تا: ۴۲۴) تا از ابتدای صرف بر نص گرائی کاسته، راهکاری برای حکومت و ریاست فقهاء- و لو با اختیارات محدودتر- ارائه دهد.

توجه و اهتمام ورزیدن به قاعده «قدر متیقن» حداقل در دو زمینه به بسط اندیشه سیاسی وی کمک نموده است: اول، تلاش برای یافتن مقام مسئول و مدیر مشخصی که در شخصیت فقهاء تجلی می یابد و دوم، تعیین قلمرو وظایف و اختیارات فقهاء که او از آن به «امور حسبه» تعبیر نموده است.

علی ایحال آیت الله خوئی در جمع بندی نهائی از بررسی روائی و نقلی دلائل ولایت فقیه می گوید:

«روایاتی که به وسیله آنها بر ولایت فقیه استدلال می شود، فاقد اعتبار سندی و دلالت اند.» (همان، بی تا/ ۱:

(۴۱۹) و نیز می گوید: «بنابراین، هیچ گونه دلالتی در روایات بر مسأله ولایت فقیه وجود ندارد، چه این که ولایت را به معنای استقلال در تصرف بگیریم یا به معنای اعتبار نظر فقیه در تصرف.» (توحیدی، ۱۴۱۷ق/۵: ۴۹)

آیت الله خوئی با توجه به بررسی های خود نمی تواند مبنای اثبات و اعتبار ولایت فقیه را دلائل نقلی بداند، از این رو در جستجوی مبنای دیگری بر آمده که وی آن را «اصل عملی» نامیده و می گوید: «بلی، فقیه در برخی موارد دارای ولایت است اما نه به مقتضای دلیل لفظی، بلکه به مقتضای اصل عملی» (همان، ۱۴۱۷ق: ۵۲)

«اصل عملی» دلیلی نسبتاً عقلی به شمار می رود، چنان که یکی از صاحب نظران برجسته فقه سیاسی درباره مبنای آیت الله خوئی می گوید: «عمده نظر ایشان (آیت الله خوئی) به دلیل اثباتی مسأله است که از راه عقل و قدر متیقن، جواز تصدّی و تصرف فقیه در امور یاد شده ثابت گردیده» (معرفت، ۱۳۷۸: ۲۱۵)

اصل عملی مبین این است که چون شارع به ترک و اهمال اموری که بایستی حتماً انجام گیرد، راضی نیست، بنابراین از باب واجب کفائی واجب است که همه در انجام آن اقدام کنند، اما قدر متیقن در انجام و تصدّی این امور، فقیه است، پس او مسئولیت تصدّی و تصرف در امور مورد نظر را از سوی شارع به عهده خواهد داشت.

آیت الله خوئی عنوان «ولایت» را نسبت به فقیه در امور سیاسی کمتر مورد استفاده قرار داده و در کل، ترجیح داده است ماهیت تصرف و تصدّی فقیه بر امور را از نوع ولایت قلمداد نکند. او می گوید: «... قدر متیقن از کسانی که مالک حقیقی (خداوند) راضی به تصرفاتشان است، فقهاء جامع الشرائط می باشند. بنابراین آنچه برای فقیه ثابت می باشد، جواز تصرف است، نه ولایت.» (غروی، بی تا / ۱: ۴۲۴) ایشان در جای دیگر نیز همین امر را تکرار کرده و گفته است: «ریاست فقیه در امور حسبه به معنای اثبات ولایت برای او نیست، بلکه این به معنای نفوذ تصرفات او بنفسه یا به وسیله وکیلش است و قدر متیقن در این جا همین جواز یا نفوذ تصرف است، نه اثبات ولایت.» (همان، بی تا / ۱: ۳۶۰-۳۵۹)

با توجه به عبارات مذکور روشن می شود که ماهیت تصرف و تصدّی فقیه بر امور از نوع ولایت نیست، بلکه از نوع جواز تصرف می باشد. تفاوت این دو عنوان در آن است که اولاً: «ولایت» از دیدگاه فقهی حق محسوب می شود، در حالی که «جواز تصرف» حق تلقی نمی گردد، اگر تصدّی فقیه از قبیل حق باشد او از قدرت و اعمال نفوذ بیشتری برخوردار بوده و برای پیشبرد امور و دستورات خود می تواند از نیروی زور و اجبار